

خویشتمن داری؟

- ❖ نقش اساسی تمایلات انسانی در اصول زندگی
- ❖ عکس العمل افراط و تفریط در تمایلات
- ❖ شخصیت انسانی چگونه بدست میآید

و امامن خاف مقام ربه ونهی

النفس عن الهوی فان الجنة هی

الماوی «قرآن مجید»

کسیکه از مقام عظمت پروردگار بترسد

و خود را از هوی بازدارد، بهشت برین

حایگاه اوست

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقش اساسی تمایلات انسانی در اصول زندگی

یکی کتاب روح انسان در برابر دیگران مثل کنکاو ماگنوه میگرد و باند
فراوانی مسائل روانی را مطالعه مینماییم ، علو جراین نکته مینویم ، که محرک اصلی جذب و
جوشهای بشری چه فردی چه اجتماعی «پایه به تمایلات درونی انسان است . تمام تمایلات
های بشری (جز در مواردی که توأم با خلوص در بهت باشد و درباره آن بحث خواهد شد) در
موقع تحبیل یک اصل کلی یازگفت میکند . و آن عبارت است از ارضاء امیال انسانی انسان .
مرد فقیری که پنهان شب ، بیازمنداست . و مسکن او خرابدای بیش نیست : اگر کوشش های
روزانه او را بررسی کنیم . خواهیم دریافت ، که او هم بخود و برادگی محقرانه اش علاقه مند
است ، و برای نیل به چنین هدفی تلاش می کند .

بیشرفت‌ها و ابتکارات بشری همه از تاملات بشری سرچشمه میگیرند پس برتری جوئی و رقابت و سبقت و امثال این مفاهیم همه از خواسته‌های بشری شروع شده و بدان بازگشت مینمایند. اصولاً آخرتشناسان طوری است که بخود و زندگی خویش پای بند است ، و همین تمایل است که او را بتلاش و امید وارد .

تا گفته‌اند که مصر که اصلی در عده‌های از افراد بشر ارضاء تمايلات نبوده ؛ بلکه حسن اطاعت و فرمانبرداری از پروردگار حیوان موجب پیدایش افعال و حرکاتی از آنها شده است ؛ و این موضوع بنام خلوص و اخلاص دینی نامیده میشود ، و جداگانه باید درباره آن سخن گفت . اگر از این عده درگذریم ؛ در سایر افراد محرك اصلی حرکات و افعال را در ارضاء تمايلات درونی باید پیدا کرد .

عکس العمل افراط و تفریط در تمايلات

پس از روشن شدن این مقدمه باید با کمال احترام کرد که رسیدن به سعادت انسانی وابسته است ؛ که میزان منطقی و عقل از تمايلات نفسانی برخوردار شود . چه تفاوت و بدبختی وقتی متکبر انسان میگردد ، که بغفلت و غیور طبیعی از اموال درونی استفاده نکند . در توضیح این موضوع باید گفت که بدون تردید از بین بردن همه تمايلات و یا برخی از آنها زیان بخش بوده و عکس العمل این کار در انحرافات جسمی و روحی میتوان پیدا کرد . کسانیکه برخی تمايلات طبیعی آنان آسیب دیده است ؛ بدون اینکه خود آگاه باشند از ظروفي « چارک نوع » ساديسم مردم آزادی و کینه توزی جان « شمشاد و اسل گوناگونی در صد آزار و رنج دیگران بر میآیند .

حال این موضوع پیش میآید ، که جوایگویی خواسته‌های درونی ؛ تا چه حدودی باید باشد ؛ آیا تا آنجا که میل نفسانی مادرخواست و تقاضای کند ؛ باید بدان جواب مثبت داد ؛ یا باید خواسته‌های نفسانی را در ترازی و عقل و دین ، سنجیده آنچه را که منطقی عقلی و دینی انجام آنرا تصویب نماید . بدانجا جواب مثبت داد ، و آنچه که از میزان اعتدال خارج بود بواسطه سرچشمه هوی و هوس سرباپ شده از آن خودداری کرد . اندک مطالبی این حقیقت را بر ما آشکار میسازد که جوایگویی تمايلات درونی باید محدود و در حد اعتدال طبیعی تجاوز نکند ، بیسان نسبت زیان بخش خواهد بود .

شخصیت انسانی چگونه بدست میآید ؟

زندگی پر دو نوع است قسم اول زندگی بر اساس ارزش اساسی است ؛ در این قسم زندگی محدود و سرانجامی وجود دارد ؛ قوانین اخلاقی و دینی حدود بهره برداری از تمايلات اساسی را مشخص و محدود ساخته است ؛ خواسته‌های درونی از نظر منطبق دینی با پادار راه‌های مبنی ارضاء گردد .

نوع دوم زندگی بی بند و بار حیوانی است (گرچه زندگی برخی از حیوانات پر از رش بوده و دارای شکلیات منظم و مرتبی میباشد) چه وقتی حیوانی احساس گرسنگی میکند ؛ سعی میکند خود را سیر سازد . و برای سیریدن باین خواسته قید و شرطی را رعایت نمیکند ، و حال آنکه انسان برای بدست آوردن خواسته‌های درونی حدودی را لازم الرعایه میداند ، و در موارد بسیاری با اینکه میتواند خواسته خود را تحقق بخشد ؛ ولی عقب نشینی کرده از پیمودن هر راهی خودداری مینماید ، این خویش داری در اثر وجود بیرو و قدرتی مسوی انجام می پذیرد و در اصطلاح دین گاهی بنام تقوی و یا ورع و یا کف نفس نامیده میشود علی علیه السلام میفرماید : خویش داری قلمه استواری است و هیچ عورت و شرافتی برتر از تقوی وجود ندارد . **والتقوی دار حصین ولاعز من التقوی .**

نکته‌ای که از این بیان آشکار میگردد . اینست که شرافت و شخصیت بر اساس ارتباط مستقیم با خویش داری دارد ، هر قدر این بیروی معنوی استوارتر و عمیق تر باشد ، شخصیت انسانی کاملتر خواهد بود ؛ و برترین افراد کسانی هستند که خویش داری را در تمام حرکات و تکلمات حتی در تفکرات و تخیلات رعایت مینمایند ؛ اینگونه افراد خانه دل را از اندیشه‌های شیطنانی پاکیزه مینمایند ، تا چه رسد با افعال و حرکات رنده ؛ که جز نهبی و فساد اخلاقی نتیجه و ثمری ندارد .

پروردگار بهت برین راجع بگام این گونه افراد قرار داده است چه میفرماید : **وامامن خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی ،** یعنی کسیکه از مقام عظمت پروردگارش بترسد و خود را از هوی نفس حفظ کند بهشت منزلتگاه او خواهد بود .

مطالعه عمیقی در مسائل اجتماعی به ما میسازد که بسیاری از انحرافات اخلاقی و فساد روحی وابسته زیاد روی در بر خودداری از تمايلات نفسانی است . پیروی با مشروع اشتهوات و ریاست طلبی و پول پرستی بیش از حد معمول موجب لغزشها و آلودگی میباشد ، بسیاری از رندان و حتی عده از بیماران روحی که گرفتار شکنجه‌های مکافاتی میشوند کسانی هستند